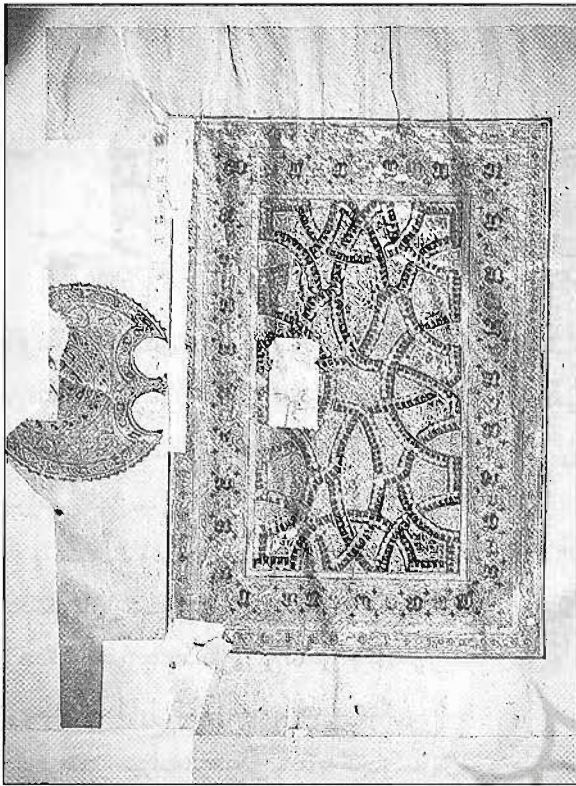


قرآن موقوفه تربت شیخ احمد جامی

(معروف به تفسیر سورآبادی) - موزه ملی ایران

قدیر افروند



صفحه مذهب آغاز مجلد شماره ۳۴۹۶.

مشکی و در ۲ جلد آخر به سنگرف - رنگ قرمز - نوشته شده است) به عنوان نمونه در سوره «البقره» این بخش به صورت زیر آغاز می‌شود:

«فصل در عدد حرف و کلمات و آیات و فصل سورت و قصص (با زرآب و تحریر مشکی) سورت بقره به مدینه فرو آمده بیست و پنج هزار و پانصد حرف است و شش هزار و صد و بیست و یک کلمه است به قول اهل مدینه دویست و هشتاد پنج آیت است و به قول اهل کوفه دویست و هشتاد و شش آیت است و به قول اهل بصره دویست و هشتاد و هفت آیت است. اختلاف آن «الم» کوفی «الخائفین» و «قولاً معروفاً» بصری «و ماذا یففقون» در موضع «من الظلمات الی النور» مدنی «الحی التیوم» مدنی بصری «خبر» (با زرآب و تحریر مشکی) رسول گفت صلی الله علیه و سلم هر که سورت بقره بخواند مستوجب رحمت گردد و ثواب غزو و جهاد یکساله بیابد. «خبر» رسول گفت صلی الله علیه و سلم سورت بقره سراپرده قرآنست پیاموزید که آموختن آن برکت است و دست برداشتن آن حسرت است و بطله را بخواننده آن دست نبود گفتند یا رسول الله بطله کدامست گفت سحره «خبر» رسول گفت صلی الله علیه و سلم هر که روایت از آخر سورت بقره بخواند او را ثواب قیام شب بنویسند «قصه» اسلام عبدالله سلام» از سر سورت تا «اولئک هم المفلحون» در حق مؤمنانست و خاص در حق عبدالله سلام...»^۲

«زبانی که در ترجمه و تفسیر این نسخه به کار رفته بسیار کهنه است و با زبان دری رایج قرن ششم تفاوت‌های بسیاری دارد برخی از موارد فوق عبارتند از:

در سال ۱۳۱۶ هجری پس از بازدید وزیر فرهنگ وقت از مزار شیخ جامی و مشاهده یک دوره کامل چهارجلدی تفسیر قرآن در مجموعه کتاب‌های موقوفه، برای تعمیر، مرمت، حفاظت و حرست آن از آسیب حوادث روزگار و دستبرد احتمالی، دستور انتقال قرآن‌ها را به تهران داد. در خردادماه همان سال این دوره قرآن با تشریفات خاص به موزه ایران باستان منتقل شد^۱ و پس از تعمیر و مرمت در شمار آثار نفیس موزه قرار گرفت. این نسخه مشتمل بر یک دوره کامل قرآن، ترجمه، تفسیر، قصص، اخبار و... در چهار مجلد بزرگ به قطع ۳۰×۳۹ سانتی‌متر مجموعاً در حدود ۱۸۲۵ صفحه است. مجلد اول (ربع اول) به شماره موزه ۳۵۰۰ شامل سوره الفاتحه تا پایان سوره الانعام، مجلد دوم (ربع دوم) به شماره ۳۴۹۹ از سوره الاعراف تا پایان سوره الکهف، مجلد سوم (ربع سوم) به شماره ۳۴۹۶ از سوره مریم تا پایان سوره الصافات، مجلد چهارم (ربع چهارم) به شماره ۳۵۰۷ از سوره ص تا پایان قرآن. دارای جلد چرمی قهوه‌ای متأخر سرطلبدار با نقوش ضربی که قطعاتی از جلدهای اصلی باقی‌مانده از تیماج قهوه‌ای با نقوش هندسی ضربی یا گره‌چین منگنه‌ای (متعلق به زمان کتابت و تذهیب یعنی اواخر قرن ششم هجری) بر روی جلدهای متأخر الصاق شده است که جزء قدیمی‌ترین جلدهای دوره سلجوقی ایران است. کاغذ بخارانی، خط متن قرآن محقق «متوسط» و ترجمه و تفسیر به خط نسخ است، هر صفحه در بعضی مجلدات ۶ و در بعضی ۷ سطر درشت با زیرنویس ترجمه فارسی دارد، صفحات تفسیر ۲۵ سطر در صفحه به خط نسخ است.

پس از پایان هر سوره عدد آیات و کلمات و حروف و مکی یا مدنی بودن آنها با ذکر اقوال و اختلافات و نیز روایات و احادیثی در فضیلت سوره، ذیل «خبر» (که با زرآب و تحریر مشکی نوشته شده) و سپس قصص مختلف مربوط به هر سوره ذیل عنوان «قصه...» با زرآب و تحریر

۱- تبدیل حروف: مانند تبدیل گ به ب، گرویدن = برویدن، تبدیل ب به و، بیزار = ویزار یا زندانبان = زندان‌وان و بخشایش = وخشایش - تبدیل ب به ف، با = فا

۲- وجوه استعمال خاص در صیغه‌های فعل مانند افزودن «د» بعد از «ی» شرطی و تردیدی و استمراری: داشتندی = داشتندید، بدانستی = بدانستید.

۳- لغت‌هایی که یا معمول زمان نیست و یا در هیچ یک از نوشته‌های دیگر فارسی دیده نشده، یا در اینجا به معنی خاص به کار رفته است: ویستو، ویستود = کافر، منکر * سگالش = کید، مکر * بیک = اما، لکن، بلکه * هری = عموم، همگی * بسامانان = معصومان. این خصوصیات در همه قرآن هست اما در قسمت ترجمه زیرنویس سطور بیشتر است. مطالعه این نسخه نفیس از نظر تحقیق و پژوهش در تحول زبان فارسی بسیار سودمند و پربهاست^۳ و در این فرصت اندک مجال ذکر تمامی نکات خاص و مهم آن نیست و تنها به ارائه ترجمه سوره فاتحة الكتاب قناعت می‌کنیم.

«آغاز کنیم خواندن سورت فاتحة الكتاب بنام خدای سزاوار برستش، آن مهربان بروزی دادن، آن بخشاینده بکناه امرزیدن، سباس و ستایش خدای را سزد، خداوند و مهتر و روزگار جهان و جهانیان، آن مهربان ببروری دادن همه خلق را، آن بخشاینده بمرزش خاص مؤمنانرا، باذ شاه روز شمار و قضا و جزا و یادداشت (=پاداش)، ترا برستیم و بس و یاری از تو خواهیم و بس، نموده میدارما را راه راست و بایست و درست راه ایمان و قرآن و جماعت و بنمای ما را راه بهشت راه آنکسهاکی نیکو داشت کردی ایشانرا جون بیغامبران و صدیقان و نیک بختان نه راه آنکسهاکی خشم گرفتی برایشان جون جهودان نه نیز راه آنکسها آن کم راهان جون ترسایان»^۴

مؤلف تفسیر در خاتمه قرآن چندین دعا و فصلی «فی فضل القرآن و اهله و تلاوته» به عربی آورده و سپس در پایان شرحی در تجلیل از سلطان معاصر خود ابوالفتح محمد بن سام و اهداء قرآن به وی به صورت زیر افزوده است:

و قال الحسن علم القرآن ذکر لا یعلمه الا الذکور من الرجال ثم ان الله تعالى قدّر لكل زمان دولة و لكل دولة رجالا و لایام دولتهم آجالا فانفهم للناس امکنهم فی الملک و السلطان المعظم شهنشاه الاعظم مالک الرقاب الامم سلطان السلاطین فی العالم غیاث الدنیا والدین معز الاسلام و المسلمین قاهر الکفره و الملحدین قاصع البدعة و المتمردين عضدالدوله القاهر، تاج الملله الزاهره جلال کرامه الباهره نظام العالم ابوالفتح محمد بن سام قسیم امیرالمومنین ادام الله سلطانه و شید بنیانه و آید ارکانه و حرس علی قرارة الملک مکانه و و نصر رایته و قرن بالتوفیق رایه و اعلى اعلامه و امضى احکامه و اجزل اقسامه حیث اقعده فی مقاعد الصدق و شد به معاهد الحق هوالمركز لرایات الرحمة الربانیة المنزلة علی كافة البریه هذا و لم یزل المخلصون المختصون یهدون الی سیدهم و سلطانهم و مصلح دینهم و

شانهم تحف النصایح تحریا للمصالح و کانت هدایا هم الی الکرام الانام و ان کانوا یستغنون عنها بفضل بصائر هم علما بان قبولهم لیس بضایرهم فکیف و هدیتی الی رحل قرائته و سریر عزته هدیه لم یرمثله فی الدنیا، اعنی کتاب الله الذی انزل الی رسول کبیر و فصلت آیاته من لدن حکیم خبیر. (ترجمه:..... پس خداوند متعال در هر زمان دولتی و برای هر دولتی مردانی مقدر فرمود و برای روزگار دولت ایشان نیز زمان معینی مقدر کرد. پس سودمندترین آنها برای مردم آنانی هستند که بیشتر در مسند حکومت بمانند و سلطان معظم شاهنشاه اعظم..... ابوالفتح محمد بن سام..... مظهر انوار رحمت الهی است که بر همه مردم نازل شده است و این است که مخلصان و خواص هدیه‌دادن تحف نصیحت و پند و اندرز را به سرورشان و سلطانشان و ... در جهت نیل به مصلحت‌ها، ادامه می‌دهند و هدایای آنها به بخشنده‌هاست با آنکه آنان به چنین هدایایی بی‌نیاز هستند و پذیرفتن آن نیز ضروری به آنها نمی‌رساند. ولی هدیه من به رحل تلاوت او می‌باشد. هدیه‌ای که مانند آن در دنیا دیده نشده، منظور کتاب خداوند است که بر رسول بزرگوار نازل شد و آیات آن از سوی خدای دانا نازل گشت.)

در ادامه کاتب درباره چگونگی تدوین و تالیف این مجموعه و منابع

مآخذ مورد استفاده‌اش شرحی بدین صورت نوشته است. و ارجو ان لا یخلو هذا التفسیر عن عدّ الاعداد و الکلمات و الحروف و الوجوه و القرات و الترجمة و الفقهیات و الاخبار الثی ادرجتها فی اول السور مع الاسناد و فی اخره مع الاجتهاد فالتفسیر عن ابن عباس و الاعداد و القرات عن ابن مهران^۵ و الاخبار عن الواحدی^۶ رضی الله عنهم. (ترجمه:..... و امیدوارم که این تفسیر از نظر شمارش اعداد و کلمات و حروف و قرائت‌های مختلف و ترجمه و امور فقهی و اخباری که در اول سوره‌ها با سند و در آخر با اجتهاد درج شده، ناقص نباشد. پس تفسیر از ابن عباس و اعداد و قرائات از ابن مهران و اخبار از الواحدی رضی الله عنهم می‌باشد.)

همچنین کاتب نسخه درباره کیفیت و مدت زمان استنساخ و تاریخ

حتی سن خود به هنگام پایان یافتن کتابت قرآن می‌نویسد: «بعد ان سردت اللیل بالنهار و وصلت الغدو بالاصال خمس حجج مع عزم اکید و جهد جهید و تقدر النزول عن ذروة الفراغ فی اصنی حلة الغوافی و اهبی حالة السلامة الی هنا المساع للمستزید من انتساخ هذا المصحف المجید بعون الله العزیز الحمید یوم الاثنین الثامن من شهر ربیع الاخر سنه اربع و ثمانین و خمسائه حین طار شعاع الشمس من العالم شعاعاً و الان اذکر القول ایها السلطان المعظم مجملاً فلیکن بالقول منعماً مجملاً فان کل ما اوردته و کتبتنه و ترجمته و قصصه او عمته و خصصته فهو راجع الی آیه من کتاب الله تعالی و هو قوله «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشا و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذكرون، و مع هذا الآیه راجع الی کلمتین التعظیم لامرالله و الشفقة علی خلق الله و لولا ان الله تعالی اخذ علی العلما النصحا لیبینه للناس و لایکتومونه لم اکن فی

کتابتة هذا المصحف الكبير من المتطفلين و ما انا من المتكلفين ان هو الا ذكر للعالمين و قد بلغ سنّي نيف و ستين و الله تعالى يدبّر ايام السلطان المعظم و ينظر اعلامه ما طلع النيران و الله المستعان. ... (ترجمه: «... بعد از پنج حج (پنج سال) که با عزم راسخ و کوشش خستگی ناپذیر شب را بروز و صبحگاهان را به شبانگاهان رساندم، نسخه برداری این نسخه قرآن مجید به یاری خداوند عزیز و حمید در روز دوشنبه هشتم ماده ربیع الآخر (سنه اربع و ثمانین و خمسمائه) سال ۵۸۴ هجری بهنگام غروب آفتاب عالمتاب حاصل شد و اکنون ای سلطان معظم این قول را به این صورت خلاصه می‌کنم که هر چیزی که آوردم و نوشتم و ترجمه کردم و داستانش را گفتم و یا عام و خاص کردم، به این آیه از کتاب خداوند متعال برمی‌گردد که می‌فرماید: «ان الله... علی خلق الله» و مضمون این آیه راجع به دو کلمه بزرگداشت امر خدا و مهربانی بر خلق خداست. چون خداوند از علماء اندرز دهنده [عهد] گرفت که به مردم تبیین کنند و نه کتمان و من در نوشتن این مصحف بزرگ طفیلی و متکلف دیگران نبودم... و سن من بالغ بر شصت سال و اندی می‌شود و خداوند متعادل روزگار سلطان معظم را مستدام بدارد و بیرق او را در اهتزاز نگاهدارد.)

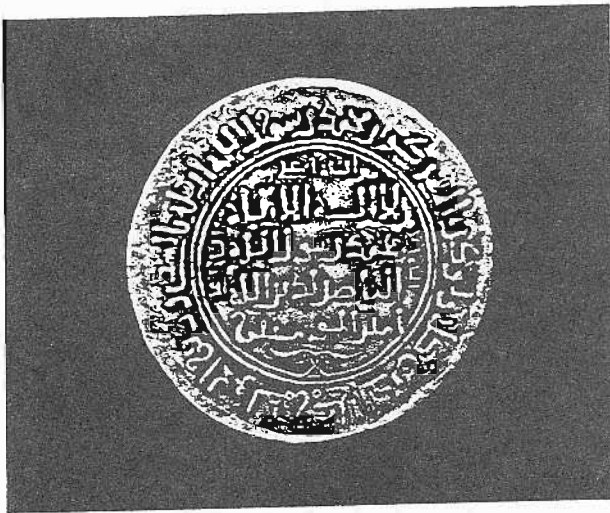
و در انتها رقم کاتب به عبارت زیر است: «الکاتب اضعف عبادالله و اخلص دعائه محمد بن علی بن محمد بن علی النیشابوری اللیثی غفرالله له...»

سلطان غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام (۵۹۹-۵۳۶ هـ) از سلاطین معروف آل - شنسب که این قرآن به وی اهداء شده، مدت ۴۳ سال از ۵۹۹-۵۵۶ هـ در نواحی غور، غزنه و پوشنگ و هرات و سیستان و کرمان و مروانرود و کورگانان حکومت رانده است. آل شنسب از سلاطین و امرای محلی ولایت غورند که از عهد صفاریه در آن ولایت حکومت مستقل کم اهمیتی داشتند ولی بعدها رفته رفته قدرت و نفوذی در آن حدود کسب کرده و از حدود ۵۴۳ تا ۶۱۲ هـ گذشته از ولایت غور و فیروزکوه در غزنین و بلاد مجاور نیز حکومت کردند.

مدت عمر سلطان غیاث‌الدین محمد ۶۳ سال و وفاتش در سال ۵۹۹ هـ در شهر هرات اتفاق افتاد و در مسجد هرات که از پیش برای مرقد خود ساخته بود، به خاک سپرده شد. او معروف به شهاب‌الدین غوری، در مدت حکومتش لاهور را گرفته و غزنویان را به کلی برانداخت حتی در بلاد شمال و مرکزی هند نیز فتوحات زیادی کرد. ۹ از او سکه طلائی «یادبود» ۱۰ منحصر به فردی در دست است که کتیبه آن برای مقایسه القاب و عناوین وی در پایان قرآن و سکه به شرح زیر است:

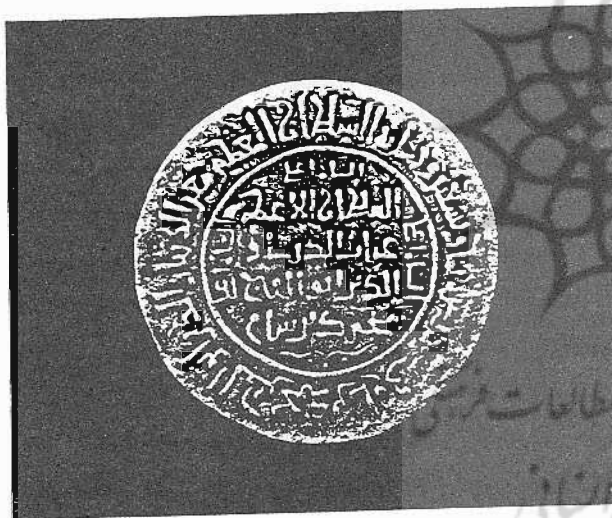
۱- «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون» «الله اعلی، لا اله الا الله محمد رسول الله الناصر لدین الله امیر المؤمنین.»

۲- «السلطان المعظم معزالدینا و الدین ابوالمظفر محمد بن سام فی شهر سنه ثمان و تسعین و خمسمائه (۵۹۸ هـ) «الله اعلی، السلطان الاعظم غیاث الدینا و الدین ابوالفتح محمد بن سام»



۱- سکه ده دیناری به وزن ۴۴/۹۶ گرم، سال ضرب ۵۹۸ ق. احتمالاً به یادبود دهمین سال فتح هند.

کتیبه: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لوکره المشرکون» «الله اعلی، لا اله الا الله محمد رسول الله الناصر لدین الله امیر المؤمنین»



۲- السلطان المعظم معزالدینا و الدین ابوالمظفر محمد بن سام فی شهر سنه ثمان و تسعین و خمسمائه، «الله اعلی، السلطان الاعظم غیاث الدینا و الدین ابوالفتح محمد بن سام»

تذهیب و تزئین قرآن

مهم‌ترین ویژگی چشمگیر و قابل توجه این نسخه در برخورد اول، بدون شک گستره پرنقش و نگار مواضع تذهیب شده قرآن و تزئینات پرکار و زیبایی آن شامل مجموعه بی‌نظیری از طرح‌ها و تزئینات اسلیمی و کتیبه‌های تزئینی در رنگ‌ها و طرح‌های متنوع است. هر بیت‌ده‌ای با مشاهده هنرپردازی بی‌مثال هنرمند مذهب این قرآن و نیز کثرت و

تنوع این تزئینات که بالغ بر هزاران نقش و طرح مجزا و مستقل می باشد. از ذوق و سلیقه و قدرت خلاقه هنرپردازان ناخودآگاه لب به تحسین و تجلیل می گشاید. کمیت تقریبی این تزئینات را شاید بتوان به صورت زیر برآورد کرد:

✱ جداول صفحات (هر صفحه دارای جداول زرین و نارنجی به علاوه یک حاشیه باریک مجدول متصل به جدول اصلی به همان ترتیب در یک طرف صفحه) - حدود ۱۸۰۰ صفحه

✱ هر مجلد شامل ۲ صفحه مذهب در آغاز، مزین به نقوش اسلیمی میانی و گروه چین حاشیه ای و کتیبه هایی به خطوط کوفی ایرانی و تزئینی که در مجلد آخر دو صفحه مذهب نیز صفحات بدرقه قرآن را تشکیل می دهند. در پیشانی و ذیل تذهیب مجلد اول، آیات ۸۰-۷۵ سورة الواقعة، (فلا أقسم بمواقع النجوم* و انه لنسمن لک تعلمون عظیم* انه لقران کریم* فی کتب مکتون* لایسه الا المطهرون* تنزیل من رب العالمین*) بخط کوفی ایرانی به قلم زر و تحریر مشکی نوشته شده است. همین آیات در صفحات مذهب مجلد شماره ۳۴۹۹ نیز به خط کوفی تزئینی به همان ترتیب نوشته شده، در صفحه اول تذهیب ربع چهارم (۳۵۰۷) سورة القدر از آغاز تا «... لیلۃ القدر خیر من» در پیشانی و ذیل بخط کوفی تزئینی معقد (گره دار) بسیار زیبایی با سفیداب و تحریر مشکی نوشته شده است (صفحه دوم تذهیب اختاده) - مجموعاً ۱۰ صفحه

✱ تمام سر سوره های قرآن - ۱۱۴ عدد به تعداد سوره قرآن مجید - به صورت یک قاب مذهب و دارای کتیبه ای شامل عنوان سوره و عدد آیات آن به خطوط کوفی اولیه کوفی ایرانی و ثلث و به رنگ های مختلف زرآب، لاجورد، سفیداب و تحریر مشکی، برخی عناوین سوره بنا به سنت کتابت قرآن (چنانکه در قرآنهای قرون ۳ و ۴ و ۵ ه.ق نیز مشاهده شده) به صورت یک عبارت توضیحی ذکر شده مانند سورة البقره: «سورة التي يذكر فيها البقره اثنان و ثمنون و سبع ایت» و سورة بس: «سورة التي يذكر فيها ياسين...» بعضی از عناوین سوره ها نیز به اسمی به جز آنچه امروزه متعارف است، نوشته شده مانند سورة «الاسری» که «سبحان» نوشته است.

✱ علائم پایان آیات به صورت یک شمسه کوچک مذهب با قید کلمه «آیه» یا زرآب و تحریر مشکی در داخل آن بعد از هر آیه - در مجلد آخر حروف ابجد شماره هر آیه را، به همان ترتیب تعیین می کنند - ۶۲۳۲ عدد^{۱۱}

✱ علائم تخمیس، بعد از هر پنج آیه، در حاشیه صفحات به صورت یک طرح تزئینی مذهب مرصع تشکیل با قید کلمه «خمسه» در شمسه مذهب قسمت بالای طرح و اسم مقدس «الله» در بخش پایینی آن - این علائم در مجلد آخر پرکارتر و زیباتر می باشد - حدود ۱۲۴ عدد.

✱ علائم تعشیر، بعد از هر ده آیه، به صورت یک شمسه بزرگ مذهب در حاشیه صفحات با قید کلمه «عشر» یا «عشرون»، ثلاثون والخب» (به همین ترتیب تا پایان سوره) در داخل آن است. حدود ۶۰۰ عدد

✱ سایر علائم تقسیم قرآن در هر جزو به صورت «الجزء الاول» الی «الجزء الثلاثون»، (۳۰ عدد) و در «ارباع» بصورت «الربع الاول» الی «الربع الرابع» (۴ عدد) و در «اسباع» به صورت السبع الاول» الی «السبع السابع» و نیز «نصف السبع» (۸ عدد)، در قاب های مذهب مربع با زمینه نقوش اسلیمی الوان در جاهای مناسب هر یک در حواشی صفحات قید شده اند. هم چنین علائم صلوات پنجگانه^{۱۲} شامل «صلوة الفجر»، «صلوة الظهر»، «صلوة العصر»، «صلوة المغرب» و «صلوة العتمه» در دو قاب مذهب مربع که در یکی «صلوة» و در دومی جزء دوم آن در محل های مناسب به صورت قرینه در طرفین دو صفحه و یا در کنار هم در یک حاشیه، نوشته شده اند - حدود ۵۰۰ عدد

با یک بررسی اجمالی و جمع تعداد علائم فوق الذکر، احتساب صفحات مذهب و سرلوح ها و از طرفی مقدار زمانی که برای طراحی و رنگ آمیزی و تذهیب به کار برده شده، خواهیم دید که طراحی و تذهیب بیش از ۱۰ هزار طرح ظریف تزئینی و... ذوق و سلیقه و عشق و علاقه و دقت و حوصله و طاقتی در خور می طلبد که جز از عهده نوادر هنرمندان این هنر ظریفه بر نمی آید.

با این همه بسیار جای تعجب و در عین حال تحسین خواهد بود اگر بدانیم که هنرمند مذهب چنین شاهکاری، بسیار متواضعانه، آن چنان که در مورد عمده آثار هنری اسلامی نیز مشاهده شده، تنها با قید دو کلمه «عمل جمال» آن هم به خط کوفی تزئینی و بسیار ریز در زمینه پرنقش و نگار دو صفحه مذهب آغازین مجلد اول (که تشخیص آن از نقوش متن تنها با دقت بسیار و با چشم مسلح میسر است)، به معرفی



کتاب مذهب فاتحه سوره المطففين، به خط کوفی ایرانی

۷
سجده فرنگی شماره ۱۵

خود فناعت کرده است (هر کدام از دو کلمه فوق در مرکز نقوش یک صفحه مذهب).

کشف این مهم تنها در آخرین روزهای تنظیم مقاله که قرآن مورد بحث برای آخرین مرور و مقایسه دقیق مورد بازدید قرار گرفت، حاصل شد. متأسفانه ما آگاهی دیگری درباره این هنرمند نداریم و متون تاریخی نیز تا آنجا که نگارنده پیگیر بوده، کمک خاصی در بازشناسی وی به ما نمی‌کنند ولی آنچه مسلم است حیات این اثر برای جاودانه ماندن نام «جمال» مذهب و هنر تذهیب وی در تاریخ هنر اسلامی کفایت می‌کند.

شناسائی نسخه مورد بحث:

قدمت، زیبایی‌ها و ویژگی‌های خاص این مجموعه کم نظیر باعث جلب توجه محققین و پژوهشگران و سپس معرفی و نقد و چاپ زودرس آن در مقالات و کتب مختلف و متعدد شد. مهدی بیانی در شماره هفتم سال اول مجله «پیام نو» (سال ۵-۱۳۲۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «سرگذشت هشت قرن یک نسخه خطی قرآن و ترجمه و تفسیر فارسی آن (تفسیر فارسی عتیق با سورابادی)، این نسخه را صریحاً به عنوان تفسیر سورابادی معرفی کرد.

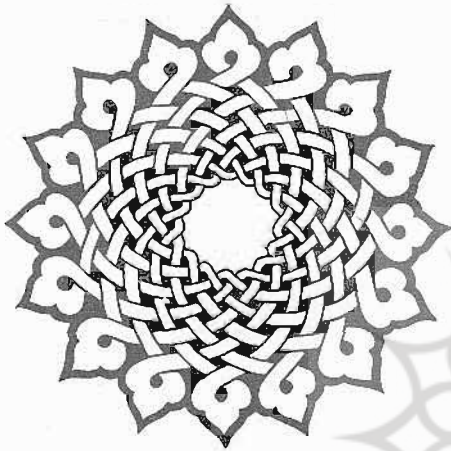
در رابطه با تفسیر سورابادی، حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (ص ۸۶ - چاپ لیدن) آورده: «السورآبادی ابوبکر عتیق بن محمد الهروی صاحب التفسیر بالفارسیه معاصر سلطان آلپ ارسلان سلجوقی (جلوس ۴۶۵ - ۴۵۵ ه.ق بود.» و حاج خلیفه در کشف الظنون (ص ۳۵ و ۳۶۴ ج دوم چاپ لایپزیک) نوشته: «تفسیر ابی بکر عتیق بن محمد الهروی فارسی الفه فی عصر الب ارسلان»^{۱۳}

در مقدمه یکی از نسخه‌های به جای مانده از تفسیر سورابادی از قول ابوبکر عتیق سورابادی نوشته شده: «بدان که قرآن را تفسیر بسیار کرده‌اند لکن نکوترین آنست که رسول (ص) کرد و از پیغمبر علیه‌السلام روایت بسیار کرده‌اند لیکن معروفتر آنست که عبدالله عباس رضی‌الله عنه روایت کند زیرا که او حریص تر بود بر تفسیر قرآن،... از بهر این ما تفسیر او را اختیار کردیم»^{۱۴}

بیانی در مقاله خود با مقایسه و تطبیق نسخه قرآن موقوفه تربت جام با یک نسخه خطی تفسیر فارسی به عنوان «کتاب السورآبادی» با کتیبه رقم بعبارت «تم الربع الاول من کتاب سورابادی علی یدالعبد... مؤید بن محمد بن ابی نصره بن ابی سعید... سنه اربع و ثمانین و ستمائه الهجریه» (۶۸۴ ه.ق) موجود در کتابخانه میزرا محمد علیخان تربت بروی مسلم شد که هر دو یک تفسیر هستند ولی نسخه موزه عاری از ذکر عنوان و مؤلف کتاب است و نتیجه می‌گیرد کسی که در کتیبه رقم لفظ «الکاتب» را مقدم بر اسم خود آورده همان فرد شارح کیفیت تدوین و تألیف قرآن در متن عربی پایان قرآن نیست، چرا که نباید لفظ «کتابه» (در همان متن) را بمعنی رونوشت و استنساخ دانست و هم چنین لفظ «متطفل» و «متکلف» دلیلی است که قائل این اقوال کاتب نسخه نیست بلکه مترجم

و مصنف است که اشاره می‌کند من طفیلی تصنیفات دیگران نیستم و آن قدرت را در تألیف داشته‌ام که بی تکلف این «مصحف الکبیر» را بپایان برسانم و البته هیچ محرر و کاتبی این ادعاها را درباره محرر و کاتب و مستنسخ خود نمی‌کند و به علاوه هنوز در آخر کتابی که راقم رقم کرده باشد شاید دیده نشده که تعیین سن خود را کرده باشد»^{۱۵}

با این توصیف او در معرفی نسخه می‌نویسد: کاتب نسخه محمد بن علی بن... و تاریخ تحریر آن به طور واضح معلوم نیست! و اگر همان تاریخ تألیف نباشد یقیناً از قرن ششم نمی‌گذرد (چنانکه ملاحظه می‌شود ضمن توجهات بالا، معانی و مفاهیم کلمات تحریر و تألیف و تصنیف و کاتب و کاتب جابه جا شده است).



با این استدلالات وی این نسخه را قدیمی‌ترین تفسیر فارسی موجود (در سال ۱۳۲۴) دانست زیرا که «تفسیر طبری» فارسی تألیف نیست و فقط ترجمه و تلخیصی از اصل عربی تفسیر ابوجعفر محمدبن حریر طبری می‌باشد در صورتی که تفسیر عتیق تألیفی است مستقل که مولف رعایت شرایط تألیف را کرده و تفسیر را از ابن عباس و اعداد و قرائات را از... نقل و جز اسناد شخصاً هم اجتهاد کرده است»^{۱۶}

بعد از بیانی، ابتدا مهدوی قصه‌های این نسخه را با مقدمه مفصلی در مجموعه ارزنده‌ای تحت عنوان «قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سورابادی» چاپ و منتشر کرد، سپس به اتفاق بیانی مجموعه ارزشمند «ترجمه و قصه‌های قرآن از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری» را به چاپ رسانید. همچنین نائل خانلری و ذبیح‌الله صفا داستان حضرت یوسف را از قصص این تفسیر برگزیده و تحت عنوان «یوسف و زلیخا» در مجموعه شاهکارهای ادبی ایران منتشر کرد.

محققین یاد شده و هم چنین مرحوم مینوی در مقدمه تفسیر قرآن کریم، تألیف ابوبکر عتیق سورابادی...^{۱۷} و سادات ناصری و دانش پژوه در کتاب «هزار سال تفسیر فارسی، سیری در متون کهن تفسیر فارسی»^{۱۸} نظرات بیانی را تکرار و تایید کرده و معتقد بودند که این نسخه تلخیصی از تفسیر فارسی ابوبکر سورابادی است.

سوره الفاتحه
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
الرحمن الرحیم
مالک یوم الدین
یا ارحم الراحمین

علی‌رغم دقت شایان توجه اساتید و محققین یاد شده در بررسی نسخه موقوفه تربت جام و اذعان به تفاوت‌های این نسخه با نسخ بازمانده از تفسیر سوری‌آبادی، استنتاج و اظهار نظر ایشان در شناسایی نسخه جای بحث و تجدید نظر دارد. داستان از این قرار است که عمده ویژگی‌ها دلالت بر متمایز بودن آن از تفسیر معروف سوری‌آبادی دارند و ظاهراً دلیل اصلی اصرار و پافشاری اساتید فوق در انتساب آن به «سوری‌آبادی» کشف زود هنگام و اظهار نظر بیانی (سال ۱۳۲۴) درباره قدیمی‌ترین نسخه تفسیر فارسی است که این ذهنیت تا آخرین اثرچاپی درباره نسخه مورد بحث به جای ماند.

اما اگر نگاه دقیق‌تر و منصفانه‌تری به این شاهکار علمی، ادبی و هنری داشته باشیم، حاصل زحمت تحقیق و تدوین و تألیف چند ساله دانشمندی که با رعایت حقوق متقدمین، اسامی هر یک از موارد اقتباس در پایان ذکر کرده، نادیده گرفته نخواهد شد گویا این که با این وصف، در نسخه مورد بحث بر خلاف نسخ بازمانده از تفسیر سوری‌آبادی ذکری از ابوبکر عتیق سوری‌آبادی به میان نیامده است.

مهدوی، در بررسی دقیق و موشکافانه این نسخه بسیاری از ویژگی‌ها و دقائق ناشناخته آن و تفاوت‌های نسخه با سایر تفاسیر، خاصه تفسیر سوری‌آبادی را شناسایی و معرفی کرده است. چنانچه این موارد و برخی نکات دیگر را که نگارنده این‌سطور با بررسی نسخه به آنها افزوده، مدنظر داشته باشیم، قطعاً در شناسایی این نسخه تجدید نظر خواهیم کرد و اگر چنین مطلبی حاصل شود هم‌حق مؤلف این نسخه محفوظ خواهد ماند و هم محققین و پژوهشگران در تحقیقات خود (مربوط به این نسخه) دچار لغزش ناخواسته نخواهند شد.

ویژگی‌ها و وجوه خاص این نسخه در مقایسه با نسخ بازمانده از تفسیر سوری‌آبادی به شرح زیر است:

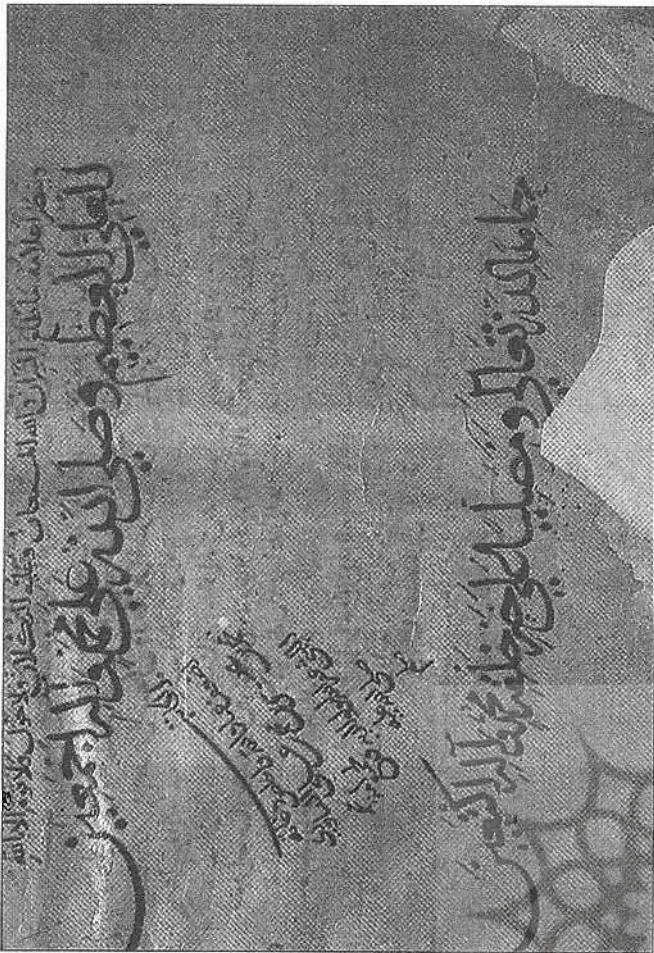
۱- در نسخه قرآن موزه تمام مقدمه (منظور مقدمه‌های که در اول تفاسیر سوری‌آبادی آمده و در آن نام مؤلف، مآخذ و شیوه گردآوری و تألیف آن از قول ابوبکر عتیق سوری‌آبادی ذکر شده) حذف و با سوره الفاتحه شروع شده است.

۲- برخلاف تفسیر سوری‌آبادی که ترجمه و تفسیر هر آیه یا جزء آن بعد از قسمت مربوطه نوشته شده، ابتدا آیات به صورت زیرنویس ترجمه شده و سپس در پایان هر سوره تفسیر و توضیحات مربوطه آورده شده است.

۳- سوال و جوابها و نکات تفسیری بعد از هر آیه (از ویژگی‌های اصلی تمامی نسخ بازمانده از تفسیر سوری‌آبادی) حذف شده، جز اینکه گاهی در ضمن ترجمه کلمه یا عبارتی برای مزید توضیح بر ترجمه کلمه به کلمه افزوده شده.

۴- قصه یا قصص هر سوره بعد از اتمام سوره آورده شده است.

۵- بعضی از قصص و شأن نزول‌ها نوشته نشده و از تکرار بعضی از قصص که در اصل قرآن نسبتاً به تفصیل آمده، خودداری شده است.



کتبه «رقم» قرآن به قلم رقاع

۶- در مجلد چهارم یعنی ربع آخر که با سوره «ص» (۳۸) شروع می‌شود، قصه و تفسیری نوشته نشده.

۷- عدد حروف و کلمات و آیات و فصل سور که در نسخ تفسیر سوری‌آبادی پیش از شروع هر سوره آمده در نسخه تربت جام بعد از اتمام هر سوره گذاشته شده، علاوه بر این که در عدد آیات روایات مختلف و در فضیلت سوره بیش از آنچه در نسخ سوری‌آبادی است اخباری به عربی نقل و ترجمه شده است.

۸- در ترجمه آیات همیشه آنچه در تفسیر سوری‌آبادی آورده نشده و شاید به قصد بهتر ساختن ترجمه گاهی کلمات را تغییر و زمانی کلمات و اصطلاحات افزوده است.

۹- بعد از سوره حج (۲۲) به مناسبت آن سوره آداب و احکام حج بیان شده که این آداب و احکام در تفسیر سوری‌آبادی ذکر نشده است.^{۱۹}

۱۰- در تمامی نسخ بازمانده از تفسیر سوری‌آبادی به هر صورت ذکری از مفسر آن «ابوبکر عتیق سوری‌آبادی» در آغاز و یا انجام و یا در متن شده، در حالی که در این نسخه علیرغم ذکر تمامی مآخذ و منابع مورد استفاده، اشاره‌ای به تفسیر سوری‌آبادی نشده است.^{۲۰}

۱۱- در نسخه مورد بحث، بعد از نقل اخبار در فضیلت سوره

۹
مجله علمی و پژوهشی
فصلنامه علمی و پژوهشی
پژوهش‌های قرآنی
شماره ۱۵

سجده (۳۲) تصریح شده که «این اخبار درستست از تفسیر عین المعانی نبشته آمد» چنانچه این تفسیر همان عین المعانی محمد بن طیفور السجائندی الغزنوی (متوفی ۵۶۰ ه.ق) باشد که نسخه‌ای از آن در کتابخانه قاهره بشماره ۱۸۲ موجود است. دلیل دیگری در تأیید ادعای ما خواهد بود.^{۲۱}

۱۲- اگر چه عبارات «اگر کسی گوید چهارصد و هفتاد و اند سال است تا این سورت وحی آمده است...» از تفسیر سوراآبادی نسخه قونیه به مناسبت آیه اول از سوره انبیاء (۲۱) و «این آیه ز پانصد سال و اند سال آمده است...» از قرآن مورد بحث به یکدیگر شباهت بسیار دارند، ولی این مطلب می‌تواند یک اصل و سنت در تألیفات و ترجمه‌های قرون اولیه و به تبع منابع مورد استفاده مؤلف نسخه موقوفه تربت جام بوده باشد.

۱۳- کتاب «الواحدی» که در زمینه «اخبار» مذکور در تفسیر قرآن مورد بحث استفاده شده، به زمانی تعلق دارد که بعید است مورد استفاده ابوبکر عتیق سوراآبادی در تألیف تفسیرش قرار گرفته باشد. به این دلیل که سال وفات واحدی را ۴۶۸ تا ۴۶۵ ه.ق در هفتاد سالگی نوشته‌اند که تقریباً معاصر با زمان تألیف سوراآبادی است.

۱۴- کیفیت خط مورد استفاده در نگارش و کتابت نسخه نشان می‌دهد که کاتب نسخه «خوشنویس (هنرمند مطرح) نبوده بلکه آنچه از این اثر وی به عنوان یک هدیه شاهانه انتظار می‌رفته، بار علمی و تفسیر و اخبار و... آن به عنوان یک مرجع مورد استفاده سلطان ابوالفتح محمد سام بوده است. چنانکه در متن عربی پایان قرآن آمده است: «بسم الله الرحمن الرحیم بعضی دعوات که در هر دو صحیح یا در یکی هست تبرک را آورده شد تا پادشاه اسلام اخلد الله ایامه بر عقب دعاء ختم ورد خود سازد.»

با این توضیحات، نگارنده مدعی است این مجموعه، تفسیر سوراآبادی و یا تلخیصی از آن نبوده، بلکه مجموعه ارزشمند و تفسیر مستقل دیگری است شامل ترجمه و قصص قرآن و اخبار و روایات درباره فضل و شأن نزول آیات که محمد بن علی نیشابوری در قرن ششم هجری برای استفاده (هدیه به) سلطان غیاث الدین محمد سام که معاصر وی بود، از منابع مختلف که عناوین هر یک در متن عربی پایان قرآن ذکر شده، تدوین و تألیف کرده است و تنها دلیل تشابه برخی ویژگی‌های این نسخه با تفسیر فوق در استفاده هر دو از تفسیر ابن عباس است.

«معرفة القراء»

در آغاز مجلد سوم (ربع سوم) قرآن، جدول گونه‌ای از علائم اختصاری قراء یازده گانه و رواه هر یک و برخی علائم دیگر نوشته شده که راهنمای قاری در شناخت قرآانات مختلف قرآن بوده است. این علائم اختصاری که شامل یک یا دو حرف (معمولاً حروف آخر) از اسامی قراء و رواه هر کدام به رنگ های شنگرف و زنگار و لاجورد است، در جدول حاشیه‌ای هر صفحه از قرآن آمده و هر یک معرف قرآنت یکی از قراء و راویان وی می‌باشد. به عنوان مثال در حروف «ع، ن، ط» (به ترتیب از بالا به پایین) «ع» نماینده قرآنت «ابی عبدالرحمن نافع المدني» و «ن» نماینده اسم یکی از راویان او «قالون» که روایت او را نیز «ابوشیط» با علامت اختصاری «ط» نقل قول کرده است.

معرفة القراء الاحد عشر من المدن الخمس^{۲۲} (شنگرف)

الحروف المكتوبة على الاوراق بالالوان المختلفة

علامات القراء

(لاجورد)

من المدينة اثنان

❖ فعلامة قراة ابي جعفر يزيد المدني يد (زنگار)

و له رواية واحدة عن عيسى بن وردان

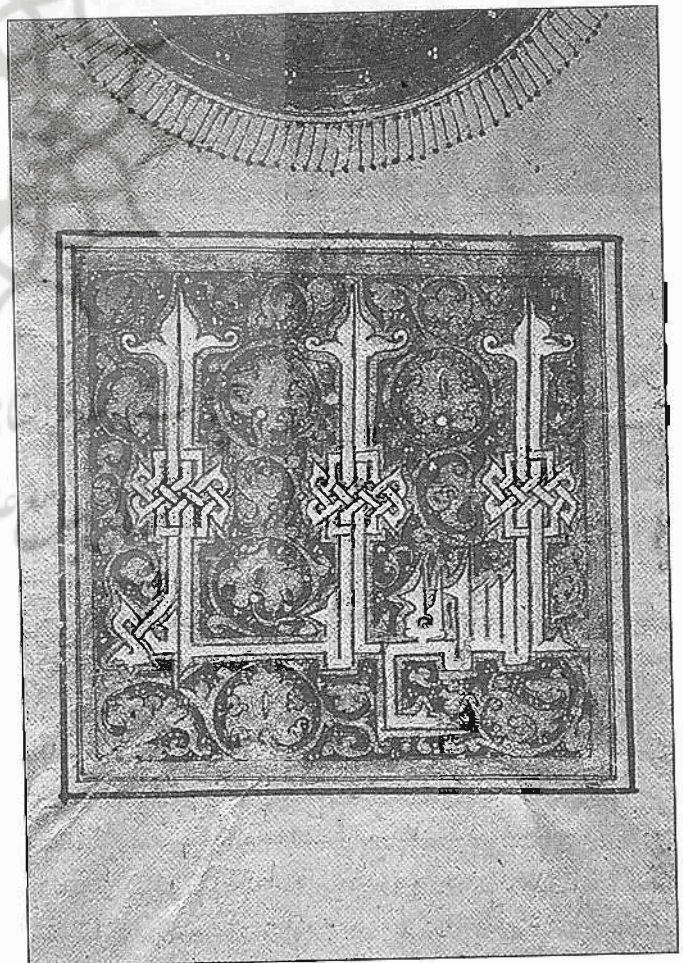
❖ و علامة قراة ابي عبدالرحمن نافع المدني ع (شنگرف)

و له ثلاث رواة:

(۱) اسمعيل ع (شنگرف)

(۲) قالون ع (شنگرف)

ن



تذهیب بسیار زیبا در حاشیه صفحه آغاز «السبع الثانی»

کتیبه به خط کوفی تزئینی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

- (۳) ورش ع (شنگرف)
 نقالون راویان:
 ۱- ابو شیط ط (شنگرف)
 ۲- الحواتی ع (شنگرف)
 لوش راویان:
 ۱- البخاری ع (شنگرف)
 ۱- الاصفهانی ع (شنگرف)

- (۲) زید ب (شنگرف)
 (۳) رؤیس ب (شنگرف)
 س

(لاجورد)

و من الكوفة اربعة

※ عاصم بن النجود الكوفي م (شنگرف)

له راویان:

- (۱) ابوبکر م
 ۲- حفص م
 فلاہی بکر اربع رواة: م

- (۱) حماد م
 ۲- يحيى م
 (۳) الاعشى م
 البرحمی (۲) م
 لااعشى راویان: م

(لاجورد)

و من مكة واحد

※ فعلامة عبدالله بن كثير ر (زنگار)

وله ثلاث رواة:

- ۱- البزوی ر (زنگار)
 ۲- القواس ر (زنگار)
 ۳- ابن قلیح ر (زنگار)

- ۱- ابن غائب م (لاجورد)
 ۲- ابن حبيب الشمونی م (لاجورد)

وله حفص ايضاً اربع رواة:

- ۱- عمرو بن الصباح م (لاجورد)
 ۲- وعبيد بن الصباح م (لاجورد)

و من البصرة ثلثة

※ ابو حاتم سهل بن محمد ل (شنگرف)

※ و ابو عمرو بن العلاء و (لاجورد)

وله ثلث رواة:

- ۱- شجاع ع (شنگرف)
 ۲- عباس م (شنگرف)
 ۳- اليزيدى م (شنگرف)

فاليزيدى ستة (كذا) طرف: (لاجورد)

(شنگرف)

(شنگرف)

※ و حمزة ه (شنگرف)

له راویان:
 (۱) اسحاق ه

(۲) وسليم ه
 تسليم ست (كذا) رواة:

- ۱- رجا م
 ۲- حماد م
 ۳- خلف م
 ۴- خلاد م
 ۵- ابو عمر م
 ۶- ابن سعدان م

※ والكسائي ي لكسائي ست رواة:

- ۱- قتيبة ي
 ۲- نصير ي
 ۳- ابو الحرب ي
 ۴- ابو حمدون ي
 ۵- حمدون ي
 ۶- ابو عمر ي

- (۱) اوقيه ي
 (۲) ابو عمر ي
 (۳) ابو ايوب ي
 صاحب الجاده ب
 (۴) ابو شعيب السوسي ي
 (۵) ابو حمدون ي
 ون

۶- [؟]

※ و يعقوب بن اسحق الحضرمي ب (شنگرف)

وله ثلث رواة:

- (۱) روح ب (شنگرف)
 ح

(لاجورد)

وَمِنَ الشَّامِ وَاحِدٌ

❖ وهو عبدالله بن عامر مر (شنگرف)

وله راویان:

- ❖ هشام (زنگار) (۲) و ابن ذکوان [ن]
- ❖ والمدنی مع المکی حجازی (شنگرف)
- ❖ والكوفی مع البصری عراقی (شنگرف)

أما علامات الوقوف

(شنگرف)

تاما وحسینا وکافیا وصالحا ومفهومیا وحایزیا
ت مس ک ص ه ز

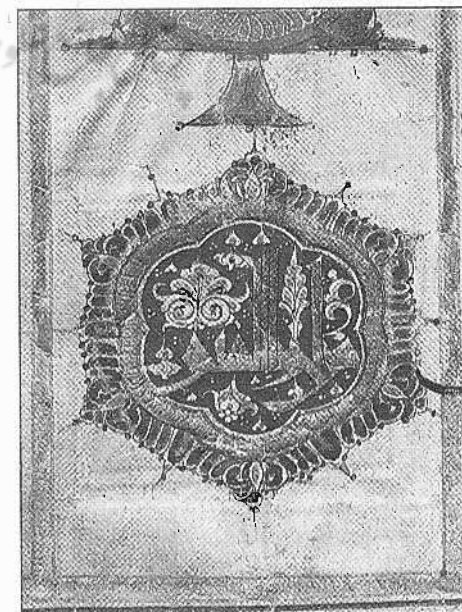
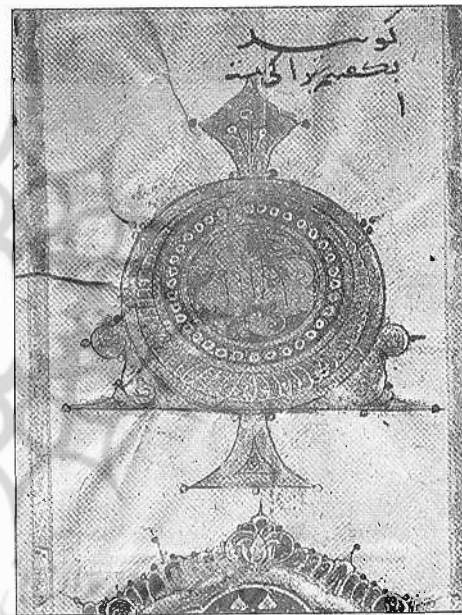
وقف نامه

یکی از عناصر و ارزش های مشرک‌شمر و مفید فرهنگی و اقتصادی در جوامع اسلامی سنت و وقف اموال و اشیاء و ... می باشد که از مهم ترین عوامل بقاء آثار و مجموعه های مذهبی نیز بوده است. چنانکه این اثر نفیس نیز تنها به یمن وقف آن، علی رغم استفاده و بهره دهی در طی قرون متمادی، تا به امروز سالم و قابل استفاده باقی مانده است.

این دوره کامل قرآن حدود ۷۰ سال بعد از کتابت و تذهیب آن در زمره موقوفات زیارتگاه شیخ احمد جامی قرار گرفت. وقف نامه های مشابهی که در آغاز هر یک از ارباع قرآن افزوده شده، بتفصیل واقف، مشخصات موقوفه، محل وقف و شرایط و موارد وقف را معرفی و تشریح می کند. اثر مهر (سجع) کتابخانه مزار شیخ با عبارت «مهر کتابخانه شیخ الاسلام احمد جام قدس الله سره، سنه ۱۳۱۶» در حاشیه برخی صفحات هر مجلد به چشم می خورد. علاوه بر آن در صفحات آغازین هر مجلد عبارت «وقف مشهد شیخ الاسلام احمد جامی» در بالا و پائین صفحات نوشته شده است. از آنجا که وقف نامه هر چهار مجلد در مطالب و مضامین اصلی مشابه و تنها در مقدمه و توصیف صفات باری تعالی، اندک تفاوت هائی با هم دارند، وقف نامه مجلد سوم (ربع سوم) بشماره موزه ۳۴۹۶ را به دلیل خوانا و کامل بودن انتخاب کرده و ذیلاً می آوریم:

هو المعبود

الحمد لله منور قلوب العارفين بأثار انوار نجوم هدايته مزین بساتین الذین بذهار انوار / عنایتہ الذی شده فی بوادی ایادی رافته الدانی والقاصی [.....] رحمتہ العابد والعاصی / وغرق فی غمار بحار الوهیتة العالم والعارف وعجز عن درک [.....] ربوبیه [النساء.....] / خلق العقول النفوس النفایس عقلاً عقیلاً وجعل القرآن لسلوک محجة الصواب حجة و دلیلاً / ثم من الصلاة اصفائها ومن التحية اصفائها على رسوله الضقى و نبیه الوصى نبیا عربی اللسان واضح البیان / و على اله و خلفائه و انصاره و اولیائہ و بعد فهذا ما وقف و حبس و سبل و تصدق الامام / المحقق الهام المدقق شیخ الاسلام مقتدی الايام

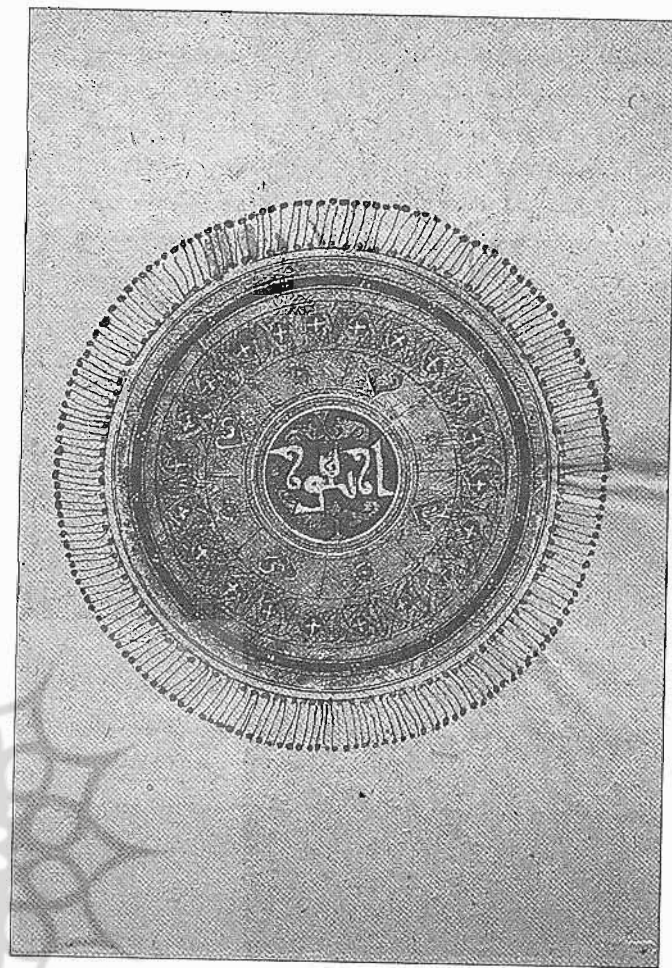


سندوقه الموضوع فيه معه^{١٩} - در مجلد شماره ٣٥٧) وفقاً صحيحاً
 شرعياً و حسباً صريحاً مرضياً لا يوهب ولا يباع ولا يعار ولا يتملك و
 لا يتصرف فيه تصرفاً يخرج عن حد الوقف و الحبس مؤبداً مخلداً الى ان
 يرث الله الارض / و من عليها و هو خير الوارثين و ليكون محطبة لزيارت
 درجاته و استدامة لآثار بركاته / و قد اتصل بهذا الوقف حكم حاكم ينفذ
 حكمه و قضاؤه شرعاً و ذلك / بتاريخ شهر الله الحرام رجب (هذا بتاريخ
 الشهر مبارک رمضان - در مجلد ٣٥٧) سنه اربع و خمسين و ستمائه /
 حرره الفقير الى الله الغنى به (ابوالفضل - در مجلد شماره ٣٤٩٩)
 محمود بن حاكم اوحد (بن ابوالقاسم - در مجلد شماره ٣٤٩٩) (محمود
 بن حاكم بن ابي القاسم - در مجلد شماره ٣٥٧) / البوز جاني ثم
 الحاجي اصلح الله ما فسد من عمله و انجح ما كسد من امله بتاريخ ٦٥٤.



پانوشتها

- ١- بياني، مهدي، پیام نو «سرگذشت هشت قرن يك نسخه خطی قران و ترجمه و تفسیر فارسی ان (تفسیر فارسی عتیق یا سورآبادی)، سال اول ش ٧، ٥-١٣٢٤.
- ٢- مهدوی، یحیی و بیانی، مهدي، ترجمه و قصه های قران از روی نسخه موقوفه بر تربت شیخ جام مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، ج ١، تهران چاپ، ١٣٢٨.
- ٣- نائل خانلری، پرویز، یوسف و زلیخا برگزیده از تفسیر فارسی تربت جام، امیرکبیر، چاپ پنجم، تهران ١٣٤٥، رک «مقدمه».
- ٤- مهدوی، یحیی و بیانی، مهدي همانجا.
- ٥- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ٤، ناشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران ١٣٧٥ ذیل «ابن مهران»: ابوبکر احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (٢٨١-٢٩٥ هـ) مقری مشهور خراسان اولین مؤلف ایرانی درباره قرانات دهگانه ... بر اثر بیماری در نیشابور درگذشت آثار مختلفی درباره قرانات عشر داشته منجمله الغایة فی القراءات، الشامل و المسبوط.
- ٦- مدرس، میرزا محمد علی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب یا کنی و القاب، ج ٦ چاپخانه شفق، چاپ دوم، تبریز، بی تا. ذیل «الواحدی»: علی بن احمد بن محمد علی بن متویه متوی نیشابوری، نحوی مفسر متبحر، معروف به واحدی مکتبی به ابوالحسن از مشاهیر ادبا و مفسرین، در نحو و تفسیر وحید و فرید دهر خود بود. از جمله مصنفات او تفسیر قرآن که بنام بسیط و وجیز و و سبب سه فتره تفسیر نوشته و مجموعاً بنام الحاوی لجمیع المعانی موسوم به تفسیر واحدی معروف است. وفات واحدی در ماه جمادی الاخر سال ٤٦٥ تا ٤٦٨ هـ در نیشابور در هفتاد سالگی واقع گردید. متوی به فتح اول و فتح و تشدید ثانی منسوب به متویه نام جد سیم واحدی
- ٧- «علی» در رقم کاتب قرآن (محمد بن عیسی...) مخدوش و محو شده و



«مذهب حاشیه صفحه» در میان شمس «اربعون» نشانه
 پایان چهلمین آیه سوره

عمدة الايام مقبول الطوائف مجمع اللطائف / سالک طرائق الحقائق
 مرکز دوائر الخلائق ابوالفتح^{٢٢} محمد بن شیخ الاسلام صدرالاعالی
 ابی المعالی / شمس الدین المطهر^{٢٥} بن شیخ الاسلام حجت الحق علی
 الخلق، داعی الخلق الی الحق لطیف صنع رب العالمین / احمد بن ابی
 الحسن النامق الحاقی^{٢٦} زاده الله توفیقاً و تحقیقاً مما فی یده (من خائص
 مذکبه - مجلد شماره ٣٥٧) [هذا المجلد من القران العظیم و
 الكتاب الکرم] مع ثلاثة ارباعه الاخر فی ثلاث مجلدات کما یاتی علی
 عنوان کل مجلد منها هذا الوثیقه و هو ربع / من جامع جوامع الکلم
 علی شریف مشهد جده و هو شیخ الاسلام حجة الحق علی الخلق داعی
 الخلق الی الحق / احمد بن ابی الحسن النامق^{٢٧} الجامی و هو مشهد
 مشهود مشهور بقربه معدآباد^{٢٨} السفلی من ناحیه جام احدی [نواحی]
 نیشابور سلکا (سلوکا) - در مجلد شماره ٣٥٠ علی سنن هتمه الرقیعه
 العلیه و سلکا (جریاً) - در مجلد شماره ٣٥٠ علی سنن عقیدته
 النقیه الرضیه و الشرط [فیه] انه بوضع فی موضع من هذا المشهد
 / یصلح لوضعه فیه لیقرا فیه و سنخ عنه و یتحفظ منه و لا یجزل لاحد ان
 یرجعه من المشهد هذا / ای من کان و علی آیه حال کان (و وقف ایضاً

١٣
 ١٤
 ١٥

در نونویسی «عیسی» نوشته شده است. و اصل آن «محمد بن علی بن محمد بن علی النیشابوری» می باشد.

۸- بیانی، مهدی. همانجا، رک پانوش مقاله.

۹- مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف مصاحب، ج ۱، ذیل «آل شنسب».

۱۰-

- Octagon, The Arts of Islam, Special Issue, No 40, P.14, Plate 40-41.

تصویر این سکه را جناب آقای توچانی در اختیار نگارنده قرار داده اند.

۱۱- رکتی، محمد مهدی. نامه هدایت، اداره امور فرهنگی آستان قدس، مشهد ۱۳۶۳ ص ۱۰۰، «آیات قرآن کریم بنابر شمارش تراء کوفه ۶۲۳۶ عدد می باشد».

۱۲- درباره مفهوم این علائم آگاهی و اطلاع خاصی نداریم، همینقدر می دانیم که از قرن سوم در حواشی صفحات قرآنها خط کوفی اولیه و کوفی ایرانی نیز نوشته می شد، شاید مبنای آن آیات قرآنی است که تلاوت آنها در اوقات نمازهای پنج گانه دارای ثواب خاص می باشد. فاصله بین هر کدام از علائم یاد شده، بین ۲۰ تا ۳۵ آیه می باشد. می باشد، صلوات تراویح؟.

۱۳- بیانی، مهدی. همانجا.

۱۴- مهدوی، یحیی قصص قرآن مجید برگرفته از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سوراآبادی، چاپ دوم، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۶۵. رک «مقدمه».

۱۵- بیانی، مهدی. همانجا.

۱۶- بیانی، مهدی. همانجا.

۱۷- مینوی، مجتبی. «تفسیر قرآن کریم تالیف ابوبکر عتیق سوراآبادی (عکس نسخه مکتوب به سال ۵۲۳ هجری قمری) محفوظ در کتابخانه دیوان هند لندن»، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵، رک «مقدمه».

۱۸- سادات ناصری، سیدحسن و دانش پژوه، منوچهر. «هزار سال تفسیر فارسی، سیری در متون کهن تفسیر پارسی، نشرالبرز، تهران ۱۳۶۹».

۱۹- مهدوی، یحیی. همانجا، رک مقدمه «قصص قرآن مجید برگرفته از...»

۲۰- درباره این ویژگی نسخ تفسیر سوراآبادی رک مقدمه «قصص قرآن مجید برگرفته از...» که در آن نسخه های متعددی معرفی شده است.

۲۱- درباره این بند و بند ۱۲ رک همانجا (مقدمه «قصص قرآن مجید...»).

۲۲- درباره شناخت تفصیلی تراء معروف و رواه هر یک رک دکتر حاجتی، سید محمد باقر. فهرست موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران و تاریخ علوم و تراجم دانشمندان اسلامی، سروش، ۱۳۷۰ بخش «علوم قرآنی، مبحث قرائت و تجوید، نگارش».

۲۳- علائم و قوف و وجه اشتقاق آنها برای اولین بار به این صورت در یک نسخه خطی قرآن دیده شده است..

۲۴ و ۲۵- گلامبیک، لیزا. اثر «دوره های ساختمانی مجموعه تاریخی شیخ جام»، ترجمه باقر شیرازی، ش ۱۰ و ۱۱، بهمن ۱۳۶۴.

۲۶- دانشنامه ایران و اسلام. ج ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۶۰ ذیل «احمد جام». نام کاملش شهاب الدین ابونصر احمد بن ابی الحسن بن احمد بن محمد نامقی جامی. وی به لقب ژنده پیل (فیل عظیم) معروف بود. در قصبه نامه یا نامق از نواحی ترشیز (قهبستان) در ۴۴۱ هجری بدینا آمد. بنابر روایات موجود در جوانی کمابیش هوسرانی پیشه کرد. اما در ۴۶۳ هجری در ۲۲ سالگی روزی که خری را با

بار شراب برای می گساری به خانه می راند بانگی آسمانی او را به راه راست ارشاد کرد و آنگاه در تپه های دهکده ای که زادگاهش بود معتکف شد. پس از دوازده سال که به زهد و ریاضت و چند دیدار از شهرهای خراسان گذشت، تدای درونی او را به اقامت در کوه های ب (پ) - ز - د جام (در قهبستان) کشانید. شیخ احمد در آنجا مسجدی بنام «نور» ساخت و با اقربان خود رابطه برقرار کرد و شش سال در آنجا اقامت گزید و چهل سالگی یعنی در ۴۸۱ هجری به قصبه معدآباد جام رفت در آنجا خانقاهی و مسجد جامعی ساخت... شیخ در خاتمه خود در حالی که مریدان بسیار داشت در محرم ۵۳۶ در گذشت و به خواست خودش در بیرون معدآباد، در محلی که یکی از دوستانش به خواب دیده بود، دفن شد چندی پس از مرگ وی مسجدی و خانقاهی بر مقبره اش ساختند که بعداً بناهای دیگری بر آن افزوده شد و هسته محل جدیدی را تشکیل داد که به نام «تربت شیخ جام» معروف شد.

۲۷- فرهنگ جغرافیائی ایران. ج ۹، ص ۳۰۲ «النامق تریه ای از قرای ترشیز. شیخ جام سال ۴۴۰ هجری قمری در این قریه متولد یافت».

۲۸- رک پانوش شماره ۲۶.

۲۹- صندوق مورد اشاره این وقف نامه، امروزه موجود نیست.

سایر مراجع و منابع:

۱- بیانی، مهدی. نمونه سخن فارسی، شرکت چاپ خودکار ایران، آذرماه ۱۳۱۷ ص ۱۱۸-۱۲۰.

۲- بهرازی، مهدی. راهنمای گنجینه قرآن در موزه ایران باستان، تهران ۱۳۲۸.

۳-

The Arts of Islam, Hayward Gallery 8 April - 4 July 1976, Vesterham Press Ltd, P.320.

۳- مهدوی، یحیی. تفسیر معروف به سوراآبادی و نسخه تربت شیخ جام، ملاحظاتی درباره چند نسخه از چند تفسیر، دانشکده ادبیات، ج ۱۳، ش ۴: ۱۵۵-۱۹۶.

۴- مهدوی، یحیی. یادداشت [درباره تفسیر جام]، سخن ۸: ۹-۴۸۸.

۵- مهدوی، یحیی. قصه اصحاب کعبه از تفسیر تربت شیخ جام، سخن ۸: ۳-۳۴۲.

۶- مهدوی، یحیی. قصه اصحاب رقیم از تفسیر تربت شیخ جام، سخن ۸: ۱۹-۲۱۸.

۷- روائی، علی. قصص قرآن مجید، راهنمای کتاب، سال یازدهم، ش ۱۲-۱۰، اسفند ۱۳۴۷، ص ۶۳۷.

۸- دانش پژوه، محمد تقی. فهرست نسخه های خطی کتابخانه موزه ایران باستان، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۱، ص ۲۱۸-۱۹۹.

۹- بیانی، مهدی. چند قصه از چند سوره قرآن برگزیده از تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، ۱۳۳۸.

۱۰- دانش پژوه محمد تقی، فهرست دانشگاه تهران، ۱۴: ۳۷۷۹-۳۷۹۲.

۱۱- جواهر کلام، کتابخانه های ایران. ص ۹۱.

۱۲- استوری ۳: ۱۱۸۹.

۱۳- فرهنگ ترجمه و قصه های قرآن مبتنی بر تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری، تحقیق و تدوین دکتر محمد جاوید صباغیان. موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸.

۱۴- فهرست میکروفیلها و نسخ خطی موزه ملی ایران، به کوشش محمدرضا ریاضی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران ۱۳۷۴.